

نگاهی معنا- کاربردشناختی به پیش‌انگاری در نمایشنامه ارثیه ایرانی

حسین رحمانی*

استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۷

A Semantic- Pragmatic Analysis into the Presupposition on the Play *Ersieh Irani*

Hossein Rahmani*¹

Assistant Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Payam-e-Noor University (PNU), Tehran, Iran

Received: 2021/04/06

Accepted: 2021/07/17

10.30473/il.2022.58464.1454

Abstract

Accepted in the background without argument or catching the attention of the addressee, presuppositions are linguistic structures discussed in semantics and applied pragmatics. Based on Yule's popular divisions of suppositions - existential, factive, lexical, structural, non-factive and counterfactual, this research aims to answer the following research questions: What are the most and least frequently used presuppositions? Which presuppositions are used by the powerful and powerless families and how is this justified? How are men and women different in their use of presuppositions How are presuppositions and plot line related? The finding showed that the structural and non-factive presuppositions are the most and least frequently used presuppositions, respectively. The powerful family members use more structural presuppositions in order to ask, find and complete their information. The powerless family members use more lexical presuppositions in order to help characterization of themselves and others and help the development of the plot. Although men's use of presuppositions is higher than women's, this difference in factive presuppositions is more obvious due to the men's tendency to be more direct. Furthermore, the plot line and the use of presuppositions are inversely related.

Keywords: The Play *Ersieh Irani*, Presupposition, Characterization, Plot, Pragmatics, Semantics, Yule, Sociolinguistics.

چکیده

الگوی یول (۱۹۹۶) پیش‌انگاری‌ها را به ۶ دسته وجودی، واقعی، واژگانی، ساختاری، غیرواقعی و خلاف واقع تقسیم‌بندی می‌کند. پیش‌انگاری‌ها ساخت‌هایی زبانی هستند که توجه خواننده/شنونده را به خود جلب نمی‌کنند و در جریان گفتگو بدون بحث پذیرفته می‌شوند، به کسب اطلاعات در زمینه‌های مختلف کمک می‌کنند و این مهم در نمایشنامه از آن جهت که به شخصیت‌پردازی و پیشبرد طرح نمایشنامه کمک می‌کند، حائز اهمیت است. در پژوهش حاضر نگارنده با بررسی پیش‌انگاری‌های موجود در نمایشنامه ارثیه ایرانی، در پی آن است که نشان دهد فرادستی و فرودستی در استفاده از پیش‌انگاری‌ها مؤثر بوده و اعضای خانواده فرادست از پیش‌انگاری‌های ساختاری برای استنتاج، کسب و یا تکمیل اطلاعات خویش و اعضای خانواده فرودست بیشتر از پیش‌انگاری واژگانی و در راستای شخصیت‌پردازی خود و دیگران و پیشبرد طرح نمایشنامه استفاده می‌کنند. علاوه بر این، بین زنان و مردان در استفاده از پیش‌انگاری تفاوت وجود دارد و مردان بیشتر از زنان از انواع آن استفاده می‌کنند؛ این تفاوت در پیش‌انگاری واقعی بیشتر نمایان است و به این دلیل است که شخصیت‌های مرد اطلاعات خود را مستقیم و بدون حاشیه‌روی ذکر می‌کنند. این پژوهش با بررسی معناشناختی و کاربردشناختی پیش‌انگاری‌ها در حوزه شخصیت‌پردازی و پیشبرد طرح داستان نمایشنامه، پژوهشی نو و بدیع به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: نمایشنامه ارثیه ایرانی، پیش‌انگاری، شخصیت‌پردازی، طرح داستان، کاربرد شناسی، معناشناسی، یول، زبان‌شناسی اجتماعی.

مقدمه

از رویدادها و حوادثی که به وضوح درباره آنها بحث نمی‌شود، به خواننده یا بیننده کمک می‌کند.

این پژوهش براساس نظریه یول (۱۹۹۶)، در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است: الف) بیشترین و کمترین فراوانی مربوط به کدام نوع پیش‌انگاری است؟ ب) خانواده فرادست (صاحب‌خانه) و خانواده فرودست (مستأجر) در این نمایشنامه از کدام نوع پیش‌انگاری استفاده می‌کنند و این به چه صورتی توجیه‌پذیر است؟ ج) چه تفاوتی بین زنان و مردان از نظر استفاده از پیش‌انگاری وجود دارد؟ د) چه رابطه‌ای بین استفاده از پیش‌انگاری و پیشبرد طرح داستان وجود دارد؟

آنچه این پژوهش را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند این است که این حوزه از زبان‌شناسی در سایه نظریه‌های مشهوری همچون اصول همکاری^{۱۳} گرایس^{۱۴} (۱۹۶۱) و نظریه کش‌گفتار^{۱۵} آستین^{۱۶} (۱۹۶۲) مغفول مانده است و پژوهش‌چندانی در این زمینه صورت نگرفته است؛ پژوهش‌های معدودی، از جمله دباغ^{۱۷} (۲۰۱۳)؛ ژی^{۱۸} (۲۰۱۱)؛ لییانگ^{۱۹} و لیو^{۲۰} (۲۰۱۶)؛ چن^{۲۱} و وانگ^{۲۲} (۲۰۱۸) و...، صرفاً به بررسی یک مورد از محرک‌های پیش‌انگاری یا به بررسی تبلیغات پرداخته‌اند. این پژوهش در کنار بررسی معناشناسی پیش‌انگاری به بررسی کاربردشناسی آن در حوزه شخصیت‌پردازی و پیشبرد طرح داستان نمایشنامه پرداخته است که در این زمینه پژوهشی نو و بدیع به شمار می‌آید.

پیشینه پژوهش

مفهوم پیش‌انگاری در فلسفه، منطق، نحو و معناشناسی زبان ریشه دارد و تاریخ آن «به ارسطو بازمی‌گردد» (بیور^{۲۳}، ۲۰۰۱: ۳). کوشش‌هایی در راستای توضیح این مفهوم بر اساس نظریه گرایس (کمپسون، ۱۹۷۵^{۲۴}؛ ویلسون، ۱۹۷۵^{۲۵}؛ اتلس، ۱۹۷۷^{۲۶}؛ صدوق، ۱۹۷۸^{۲۷}؛ فان درساندت، ۱۹۸۸^{۲۸}) و

پیش‌انگاری^۱ چیزی است که گوینده قبل از بیان یک پاره‌گفتار فرض را بر صحت آن می‌گذارد (یول^۲، ۱۹۹۶: ۲۵). پیش‌انگاری‌ها خود هدف اصلی جمله نیستند، اما حاوی اطلاعات ارزشمند دیگری هستند که صحت آنها از پیش مفروض است. «پیش‌انگاری رابطه بین دو گزاره^۳ است و با استفاده از علامت << نشان داده می‌شود و با منفی کردن جمله، پیش‌انگاری جمله ثابت می‌ماند؛ این ویژگی را ثبات تحت‌نفی^۴ می‌نامند» (یول، ۱۹۹۶: ۲۵). به عبارتی دیگر با منفی کردن جمله، پیش‌انگاری هنوز درست است. معناشناسانی همچون کیپارسکی^۵ و کیپارسکی^۶ (۱۹۷۰)، کارتونن^۷ (۱۹۷۴)، لوئیس^۸ (۱۹۷۹)، لوینسون^۹ (۱۹۸۳)، لمبرشت^{۱۰} (۱۹۹۴) و ستالندر^{۱۱} (۲۰۰۲) پیش‌انگاری را مبتنی بر اصل صدق و کذب می‌دانند، و جملات را مستقل از بافت در نظر می‌گیرند. لذا، از اوایل دهه ۱۹۷۰ بررسی پیش‌انگاری از منظر معناشناسی به دلیل بی‌توجهی به بافتی که پیش‌انگاری در آن ابراز شده است و نیز بررسی آن صرفاً بر اساس اصل صدق و کذب و نه بر اساس شرایط بجائی^{۱۲}، بافت و زمینه مشترک، از رونق افتاد و راه برای بررسی آن از نظر کاربردشناسی گشوده شد.

در میان ژانرهای ادبی، هیچ‌کدام به اندازه نمایشنامه به گفتار روزمره شباهت ندارند. این شباهت، نمایشنامه را به ژانری محبوب جهت بررسی‌هایی که بر زبان متمرکزند، تبدیل کرده است. در میان آثار نمایشی ایران، آثار رادی برخاسته از متن و بطن جامعه است و در بررسی‌های زبان‌شناسی می‌توان از آنها به عنوان نمونه‌ای خرد از جامعه استفاده کرد. هدف از بررسی گفتگوی شخصیت‌های نمایشنامه *ارثیه ایرانی* (رادی، ۱۳۹۶) با تمرکز بر پیش‌انگاری، دستیابی به اطلاعات مفیدی است که در شخصیت‌پردازی افراد در خانواده‌های فرادست و فرودست، تفاوت زنان و مردان در استفاده از آن و نیز در کسب اطلاع

13. Cooperative principles (CP)

14. Grice

15. Speech Act Theory

16. Austin

17. Dabbagh

18. Ge

19. Liang

20. Liu

21. Chen

22. Wang

23. Beaver

24. Kempson

25. Wilson

26. Atlas

27. Sadock

28. van der Sandt

1. presupposition

2. Yule

3. proposition

4. constancy under negation

5. Kiparsky

6. Kiparsky

7. Karttunen

8. Lewis

9. Levinson

10. Lambrecht

11. Stalnaker

12. felicity condition

نظریه‌های معناشناسانه باید پیش‌انگاری را از لحاظ کاربردشناسی بررسی کرد».

مطالعات کاربردشناختی پیش‌انگاری به سه رویکرد قابل تقسیم است. رویکرد نخست پیش‌انگاری‌های کاربردشناختی را به عنوان شرایط بجائی برای اجرای بعضی کنش‌های گفتاری در نظر می‌گیرد. جف ورشورن^{۱۱} (۱۹۹۹: ۳۰) پیش‌انگاری را «رابطه بین شیوه‌ای از بیان و معنای ضمنی که با فرایند دریافت کاربردشناختی می‌توان بدان دست یافت» می‌داند. به عبارتی او پیش‌انگاری را شرایط بجائی می‌داند که در آن «معنای ضمنی از پیش فرض شود یا نتوان در درستی آن شک کرد». رویکرد دوم که ابوت^{۱۲} (۲۰۰۰: ۱۴۳۷-۱۴۱۹) معتقد است ستالندر (۱۹۷۴، ۲۰۰۲) و کارتونن (۱۹۷۴) آغازگر این دیدگاه هستند، پیش‌انگاری‌های کاربردشناختی را به عنوان دانش مشترک یا زمینه مشترک بین گوینده و مخاطب در نظر می‌گیرد. طرفین تعامل فکر می‌کنند گوینده بر اساس اصل همکاری و با زمینه مشترک سخن می‌گوید، که این متضمن ارتباط موفقیت‌آمیز است. از نظر لوینسون (۱۹۸۳: ۲۰۵) «پاره گفت A، گزاره P را پیش‌انگاری می‌کند: اگر A مناسب باشد و طرفین گفتگو P را بپذیرند». چیرچیا^{۱۳} و مک‌کانل-گینت^{۱۴} (۱۹۹۰: ۳۴۹) معتقدند که «جمله S گزاره P را پیش‌انگاری می‌کند اگر S بر P دلالت کند و اینکه P بخشی از پیش‌زمینه‌ای باشد که در آن S در نظر گرفته می‌شود». مٹیو درایر^{۱۵} (۱۹۹۶: ۴۷۸) پیش‌انگاری را «بخشی از دانش مشترک» می‌داند و معتقد است «گزاره‌هایی است که گوینده به آن معتقد است و فرض می‌کند که شنوندگان نیز به آنها باور دارند». این رویکرد حامیان خود را داشت (آرنسز^{۱۶} و سولهیم^{۱۷}، ۲۰۰۲: کس کیز^{۱۸} و ژانگ^{۱۹}، ۲۰۰۹) اما انتقادهایی را نیز به همراه داشت (ابوت، ۲۰۰۰: بیور و زیوات^{۲۰}، ۲۰۰۷: فان فینتل^{۲۱}، ۲۰۰۱). رویکرد سوم به فرضیات گوینده درباره بافتی که در آن ارتباط رخ داده است اشاره می‌کند. به عبارتی در این رویکرد کاربردشناختی، گوینده، نه جملات، گزاره‌ای را با بیان جملات یا انجام کنش‌گفتارهایی در بافت‌های زبانی و غیرزبانی

نظریه کنش‌گفتار^۱ (فیلمور^۲، ۱۹۶۹؛ لنگندیون^۳ و ساوین^۴، ۱۹۷۱؛ کارتونن، ۱۹۷۴) صورت‌گرفته است. با وجود این، این مفهوم بیشتر در معناشناسی و کاربردشناسی مورد مذاقه قرار گرفته است. گزاره^۵ (۱۹۷۹) آغاز مباحث مدرن درباره نظریه معناشناختی پیش‌انگاری را با ستراوسن^۶ (۱۹۵۰، ۱۹۶۴) می‌داند، اما برخی نظریه‌پردازان فرگه^۷ (۱۹۸۴) و بعضی دیگر راسل^۸ (۱۹۰۵، ۱۹۵۷) را آغازگر نظریه پیش‌انگاری معناشناسی قلمداد می‌کنند و هر یک تعریفی متفاوت از این مفهوم ارائه می‌دهند. از نظر فرگه (الف) عبارات ارجاعی و بندهای زمانی، به ترتیب، افراد و آنچه را که انجام می‌دهند پیش‌انگاری می‌کنند، (ب) یک جمله و صورت منفی آن پیش‌انگاری یکسانی دارند، (ج) برای اینکه جمله‌ای درست باشد، پیش‌انگاری‌های آن باید ایفا شوند (فرگه، ۱۹۸۴: ۱۶۴، به نقل از لوینسون، ۱۹۸۳: ۱۷۰). به باور ستراوسن، بیان S، S' را پیش‌انگاری می‌کند، فقط و فقط اگر درستی S' شرط ضروری برای درستی S باشد (ستراوسن، ۱۹۵۲، به نقل از فان درساندت، ۱۹۸۸: ۷). اما از نظر لوینسون (۱۹۸۳: ۱۷۵) جمله A به صورت معناشناختی جمله B را پیش‌انگاری می‌کند اگر (الف) در همه شرایطی که A درست است B نیز درست باشد و (ب) در همه شرایطی که A نادرست است B نیز نادرست باشد. فودور^۹ (۱۹۷۷: ۲۰۶) معتقد است که «اگر جمله S دارای پیش‌انگاری منطقی L باشد، و L نادرست باشد آنگاه S دارای ارزش صدق و کذب نیست». به عبارت دیگر، «جمله (S) به صورت منطقی جمله S' را پیش‌انگاری می‌کند اگر هم S و هم منفی آن S- به صورت منطقی بر S' دلالت کنند» (کیان^{۱۰}، ۱۹۷۱: ۱۴۵).

لوینسون (۱۹۸۳: ۲۰۰) اعلام می‌کند «معناشناسی با معنای کلمات و جملات به صورت ثابت و مستقل از بافت سروکار دارد و معانی مرتبط با بافت را برای کاربردشناسی به جا می‌گذارد. با توجه به این مسائل، مشخص است که پیش‌انگاری به کاربردشناسی تعلق دارد، نه معناشناسی». بیور (۲۰۰۱: ۴۳) نیز بررسی پیش‌انگاری را صرفاً از دیدگاه معناشناسی چالش‌برانگیز می‌داند و معتقد است که «به جای

11. Verschueren
12. Abbott
13. Chierchia
14. McConnell-Ginet
15. Dryer
16. Arnseth
17. Solheim
18. Kecskes
19. Zhang
20. Zeevat
21. von Fintel

1. Speech-Act Theory
2. Fillmore
3. Langendoen
4. Savin
5. Gazdar
6. Strawson
7. Frege
8. Russell
9. Fodor
10. Keenan

بخش‌هایی از نمایشنامه‌های شکسپیر (جولیوس سزار^{۱۴}) و برنارد شاو پرداخته است و پیش‌انگاری را وسیله‌ای برای درک کارکردهای کلام در نمایشنامه می‌داند. پایان‌نامه براینست^{۱۵} (۲۰۱۴) به بررسی پیش‌انگاری در فیلم *هتل ترانسسیلوانیا* بر اساس الگوی یول (۱۹۹۶) می‌پردازد و پیش‌انگاری خلاف واقع را دارای بیشترین میزان کاربرد یافته و آن را به خط سیر داستان نسبت می‌دهد، که در آن دراکولا سعی می‌کند از دخترش در مقابل گزند دنیای واقعی محافظت کند. ژوی (۲۰۱۱) پیش‌انگاری در تبلیغات را مفید قلمداد می‌کند چون با استفاده از پیش‌انگاری گزاره‌هایی ارائه می‌شوند که در گفتار پنهان می‌ماند و توجهی به خود جلب نمی‌کنند و در نتیجه مخاطب با شنیدن آنها مقاومت و مخالفت نمی‌کند. لیانگ و لیو (۲۰۱۶) با تجزیه و تحلیل محرک‌های پیش‌انگاری^{۱۶} در اولین سخنرانی کمپین هیلاری کلینتون (نامزد انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا) کاربرد پیش‌انگاری را در مخابره پیام‌های سیاسی و نیز کنترل مخاطبین دانستند. چن و وانگ (۲۰۱۸) پیش‌انگاری را در تبلیغات برای لوازم آرایشی/نکوم بررسی می‌کنند. آنها معتقدند که پیش‌انگاری‌های کاربردشناختی باعث دقت، جذابیت و وسوسه بیشتر لوازم آرایشی برای مصرف‌کنندگان می‌شوند. پولیزو^{۱۷} (۲۰۱۵) به بررسی پیش‌انگاری در کلام می‌پردازد و معتقد است که استفاده از پیش‌انگاری در رویکردهای تحلیل کلام مانند تحلیل کلام انتقادی و کاربردشناسی اجتماعی، به آشکار ساختن استراتژی‌هایی کمک می‌کند که به چالش کشیدن آنها دشوار است.

در زبان فارسی صفوی (۱۳۸۰) پیش‌انگاری را از منظر زبان‌شناسی و منطق بررسی می‌کند و آن را بر دو گونه «از پیش‌انگاری وجودی» و «از پیش‌انگاری وقوعی» می‌داند. از نظر وی آنچه منطق‌دانان با عنوان از پیش‌انگاری مطرح می‌کنند، نزد معناشناسان «استلزام معنایی» و نوعی استنتاج درون‌زبانی است. علاوه بر این، وی بر این باور است که تعداد جمله‌های از پیش‌انگاشسته جمله‌ای مانند p با مقدار شناخت‌شونده از جهان ممکن p، نسبت عکس دارد. رضی‌نژاد و داودی (۱۳۹۴) با بررسی نقش پیش‌انگاشت در تعبیر معنایی اصطلاحات زبان فارسی در بافت زبانی و موقعیتی در پیکره‌ای متشکل از فیلم‌های سینمای ایران نشان دادند که معنای اصطلاحات فارسی در فیلم‌ها گاهی به

پیش‌انگاری می‌کند. براساس نظر سایمونز^۱ (۲۰۰۳، ۲۰۰۷) پیش‌انگاری‌های کاربردشناختی عقایدی درباره بافت هستند که باید به گوینده نسبت داده شوند و ... مخاطب بر اساس آنچه گوینده می‌گوید، درمی‌یابد که گوینده به آن باور دارد. پژوهش شلنکر^۲ (۲۰۱۰) بیشتر مبتنی بر نظریه ستالنکر (۲۰۰۲) است و بافت را در تفسیر پیش‌انگاری بسیار مؤثر قلمداد می‌کند. لمبرشت (۱۹۹۴: ۵۲) پیش‌انگاری را بر اساس گوینده در نظر می‌گیرد و آن را «دسته‌ای گزاره می‌داند که گوینده تصور می‌کند شنوندگان آنها را می‌دانند یا فرض را بر صحت آنها می‌گذارند». نظریه یول بر پیش‌انگاری گوینده متمرکز است و پیش‌انگاری را گزاره‌ای می‌داند که «گوینده فرض را بر صحت آن می‌گذارد، قبل از اینکه پاره‌گفتاری را بیان کند» (۱۹۹۶: ۲۵). پژوهش‌های انجام شده در زمینه پیش‌انگاری به دو بخش نظری و کاربردی قابل تقسیم است: در بخش نظری، ویتینک^۳ (۲۰۰۹)، به بررسی افعال شناختی در متون نثر یونانی پرداخته است و گروه وصفی^۴ و بندهای خودایستا^۵ $\sigma\tau\iota$ را از نظر پیش‌انگاری شبیه یافته است. کالر^۶ (۱۹۷۶) به بررسی پیش‌انگاری و بینامتنیت^۸ پرداخته است. از نظر وی پیش‌انگاری‌ها یک پیش - متن (فضای بینا-متنی) به وجود می‌آورند که می‌تواند با آنچه در متن واقعی وجود دارد، یکسان یا متفاوت باشد. دینزمو^۹ (۱۹۸۱) نظریه‌ای توصیفی - تشریحی از میراث پیش‌انگاری ارائه می‌دهد و شکل و کارکرد پیش‌انگاری را باور گوینده به اطلاعاتی که برای شنونده یا مخاطب فراهم می‌آورد، می‌داند. جکنداف^{۱۰} (۱۹۷۲) و اکمجیان^{۱۱} (۱۹۷۳) «بر این باورند که شنونده دارای اطلاعاتی ناقص است و در پی تکمیل اطلاعات خویش است. بنابراین، با پرسش‌های چه کسی آن کار را کرد؟ یا کسی چه کاری کرد؟ در پی این است که نارسایی‌های اطلاعاتی خویش را کامل کند» (به نقل از انگلکمپ^{۱۲} و زیمر^{۱۳}، ۱۹۸۳: ۵۳).

در بخش کاربردی، دباغ (۲۰۱۳) به بررسی پیش‌انگاری در

1. Simons
2. Schlenker
3. Huitink
4. participle phrases
5. finite clauses
6. that
7. Culler
8. intertextuality
9. Dinsmore
10. Jackendoff
11. Akmajian
12. Engelkamp
13. Zimmer

14. Julius Caesar

15. Briant

16. Presupposition Triggers

17. Polyzou

پیش‌انگاری **وجودی**: در این نوع پیش‌انگاری، وجود چیزهایی که گوینده از آنها نام می‌برد، پیش‌انگاری می‌شود. ساختارهای ملکی و عبارات اسمی مشخص با پیش‌انگاری‌های وجودی همراه هستند. برای مثال در «پادشاه سوئد»، می‌توان دریافت که سوئد دارای پادشاه است (یول، ۱۹۹۶: ۲۷).

۱. من یکی از آدم‌های بازی هستم. (<< بازی وجود دارد) (پرده یک، صفحه ۹)
۲. موسی: من از اون زن یه بچه دارم. (<< من بچه دارم) (پرده یک، صفحه ۲۲)
۳. شکوه: دلبر من همچو زیادی هم بی‌ریخت نیس. (<< من دلبر دارم) (پرده دوم، صفحه ۴۶).

پیش‌انگاری **واقعی**: در این نوع پیش‌انگاری وجود افعالی مانند *دانستن*، *تشخیص دادن*، *پشیمان بودن* و نیز عباراتی مانند *خوشحال بودن* و *آگاه بودن* نشان از صحت چیزی دارند که از قبل فرض شده است. برای مثال وقتی کسی می‌گوید «من نمی‌دانستم که او مریض است»، وی از پیش فرض می‌کند که شخصی مریض است. همچنین، وقتی شخصی می‌گوید «خوشحالم که امتحانات پایان یافت» وی این پیش‌انگاری را دارد که امتحانات تمام شده است. افعال *پی بردن*، *دانستن*، *فهمیدن*، *کشف کردن*، *درک کردن* و *پشیمان شدن* بیانگر واقعیت هستند و در پیش‌انگاری‌های واقعی به کار می‌روند (یول، ۱۹۹۶: ۲۸).

۴. موسی: تو می‌دونی من مرتب می‌رم قم. (<< من مرتب می‌رم قم) (پرده دوم، صفحه ۱۹).
۵. انیس: تو نمی‌دونی من چه زجری می‌کشم. (<< من زجر می‌کشم) (پرده سوم، صفحه ۸۲).
۶. عظیم: فهمیدم پول می‌خوای. (<< پول می‌خوای) (پرده چهارم، صفحه ۱۰۵).

پیش‌انگاری **واژگانی**: در این نوع پیش‌انگاری گوینده می‌تواند طوری عمل کند که معنای دیگری از سخنان وی استنباط شود. ترک کردن، شروع کردن، دوباره، تقریباً، سعی کردن، ادامه دادن، از سر گرفتن، برگشتن، فراموش کردن و از عهده برآمدن از محرک‌های پیش‌انگاری واژگانی هستند. برای مثال: او سیگار کشدن را ترک کرد. (<< او سیگار می‌کشید) (یول، ۱۹۹۶).

۷. قیصر: این گنده بک بازم تنبون شو پرت کرده رو پشت بون. (<< او قبلاً هم تنبون شو پرت کرده رو پشت

شدت وابسته به پیش‌اطلاعاتی است که گوینده یا شنونده دارد و در نتیجه بر اهمیت آموزش اصطلاحات فارسی و پیش‌انگاشت به غیرفارسی‌زبانان تأکید می‌کنند. حجتی‌زاده (۱۳۹۶) پیش‌انگاشت‌ها را واجد صبغه‌ای معناشناختی و گاه کاربردی می‌داند. او کوشیده است که اثبات کند پیش‌انگاشت‌های زبان‌شناختی می‌تواند سیر تطور موضوع سماع عرفانی را از طریق ارتباط آن با مقتضیات بافت هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و فرهنگی ترسیم کند.

چنان که مشاهده می‌شود، پژوهش‌های انجام شده یا صرفاً بر یکی از محرک‌های پیش‌انگاری تمرکز کرده‌اند، یا بر کاربرد پیش‌انگاری در تبلیغات متمرکز بوده‌اند. تنها پژوهش دباغ (۲۰۱۳) و براینت (۲۰۱۴) بر نمایشنامه متمرکز بوده‌اند. پژوهش حاضر بر نمایشنامه/رثیه/ایرانی رادی تمرکز می‌کند و پیش‌انگاری را هم از لحاظ معناشناسی و هم از نظر کاربردشناسی، به‌ویژه در شخصیت‌پردازی و پیشبرد طرح داستان، مورد بررسی قرار می‌دهد.

چارچوب نظری

تعدادی عناصر واژگانی یا دستوری در ایجاد و تحریک پیش‌انگاری نقش دارند. این عناصر را محرک‌های پیش‌انگاری می‌خوانند، چون با استفاده از آنها در جمله، مخاطب متوجه می‌شود اطلاعات مرتبط دیگری در جمله وجود دارد که بیان نشده است. نظریه‌پردازان مختلفی از جمله تولان^۱ (۲۰۱۳: ۲۲۱-۲۱۸)، گزدار (۱۹۷۹: ۱۲۴)، هوواگ^۲ (۲۰۰۸) و یول (۱۹۹۶) به شناسایی این عناصر مبادرت کرده‌اند که تقسیم‌بندی یول بنیان نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد و همراه با نمونه‌هایی از نمایشنامه/رثیه/ایرانی (رادی، ۱۳۹۶) در اینجا به تفصیل به آن پرداخته می‌شود.

مدل پیش‌انگاری یول (۱۹۹۶: ۲۵-۳۰)

یول پیش‌انگاری‌ها را به عدسته تقسیم می‌کند: پیش‌انگاری وجودی^۳، پیش‌انگاری واقعی^۴، پیش‌انگاری واژگانی^۵، پیش‌انگاری ساختاری^۶، پیش‌انگاری غیرواقعی^۷، و پیش‌انگاری خلاف واقع^۸.

1. Toolan
2. Hoag
3. existential
4. factive
5. lexical
6. structural
7. non-factive
8. counterfactual

بون) (پرده اول، صفحه ۱۵)

۸. موسی: یه دغه دیگه از این غلطا بکنی، پوزه‌تو خورد می‌کنم. (<< یه دغه از این غلطا کردی) (پرده اول، صفحه ۲۱)

۹. بازم پیش ما تشریف بیارین. (<< قبلاً هم تشریف آوردن) (پرده سوم، صفحه ۸۲)

پیش‌انگاری **ساختاری**: این نوع پیش‌انگاری با استفاده از واژگان و عباراتی خاص همراه است. گویندگان از این ساختارها برای اطلاعاتی استفاده می‌کنند که مفروض است (فرض بر صحت آن است) و مخاطب نیز آن را می‌پذیرد. ساختارهای جملاتی خاص، از جمله کلمات پرسشی Wh- در انگلیسی عموماً با این پیش‌انگاری تفسیر می‌شوند که اطلاعات بعد از Wh- (برای مثال کی و کجا) از پیش فرض شده‌اند. برای مثال: کجا رفت؟ (<< رفت) (یول، ۱۹۹۶: ۲۹). کسب اطلاعات درست از پیش‌انگاری‌های ساختاری گاهی دشوار است. برای مثال یک روز غروب در یک چهارراه شاهد تصادف خودرویی بوده‌اید، بعد از تصادف از شما سؤال می‌شود «سرعت ماشین هنگام عبور از چراغ قرمز چقدر بود؟» اگر شما سرعت ماشین را حدس بزنید، این پیش‌انگاری را پذیرفته‌اید که خودرو از چراغ قرمز عبور کرده است، اما این احتمال هست که چراغ سبز بوده باشد (یول، ۱۹۹۶: ۲۹).

۱۰. جلیل: همه می‌دونن ماهی سیصد تومن اجاره اتاق اون دخترکو می‌دی؟ (<< ماهی سیصد تومن اجاره اتاق اون دخترکو می‌دی) (پرده اول، صفحه ۲۲)

۱۱. شکوه: چرا موهاتو آلاگارسون کردی؟ (<< موهاتو آلاگارسون کردی) (پرده دوم، صفحه ۵۴)

۱۲. گلزار: آقابالا پی کی می‌گردی؟ (<< پی کسی می‌گردد) (پرده چهارم، صفحه ۱۱۰)

پیش‌انگاری **غیرواقعی**: در این نوع پیش‌انگاری، آنچه از پیش‌انگاشته می‌شود نادرست است. برای مثال، افعالی مانند خواب دیدن، تصور کردن و وانمود کردن با این پیش‌انگاری به کار می‌روند که آنچه به دنبال آنها می‌آید درست نیست. برای مثال: او وانمود می‌کند که مریض است (<< او مریض نیست) (یول، ۱۹۹۶).

۱۳. جلیل: فقط شماین خیال می‌کنین هیچکی نمی‌دونه. (<< همه می‌دانند) (پرده اول، صفحه ۲۲)

۱۴. عظیم: شما به خیالت تمام دنیا زندگی‌تونو گذاشتن زمین. (<< تمام دنیا زندگی‌تونو زمین نگذاشتن) (پرده

چهارم، صفحه ۹۴)

پیش‌انگاری **خلاف واقع**: پیش‌انگاری اتخاذ شده نه تنها درست نیست بلکه خلاف واقعیت است و یا در تضاد با واقعیت است. برای مثال: اگر دوست من بودی، به من کمک می‌کردی (<< دوست من نیستی) (یول، ۱۹۹۶: ۳۰-۲۹).

۱۵. موسی: اگه حرفی توش باشه، حرفیه که من باید داشته باشم. (<< حرفی توش نیست) (پرده اول، صفحه ۱۶)

۱۶. گلزار: اگه یه سشوار داشتیم، دیگه غمی نداشتم. (<< سشوار ندارم) (پرده دوم، صفحه ۴۶)

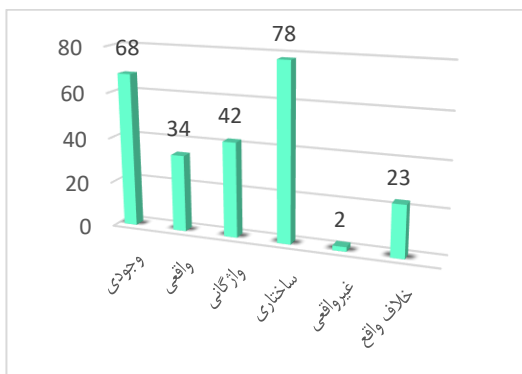
۱۷. انیس: اگه سر می‌گرفت من و شکوه از این خونه می‌رفتیم. (<< سر نگرفت) (پرده چهارم، صفحه ۸۸)

روش پژوهش

داده‌های پژوهش حاضر برگرفته از نمایشنامه *ارثیه/یرانی* است. برای بررسی پیش‌انگاری ابتدا این نمایشنامه چندبار خوانده شد و فیلم آن نیز دیده شد. سپس براساس نظریه یول (۱۹۹۶) نمود هریک از انواع پیش‌انگاری‌ها در متن مشخص شد و چندبار مورد تجدیدنظر قرار گرفت و بعضاً موارد جدید که از قلم افتاده بودند، مشخص گردید. شخصیتی که پیش‌انگاری را بیان کرده است، پاره‌گفتار وی و گزاره‌ای که پیش‌انگاری شده است، مشخص شدند. از داده‌های حاصل برای بررسی معناشناسی پیش‌انگاری استفاده شد. جدول‌های جداگانه‌ای بر اساس سؤال‌های پژوهش طراحی شد که فراوانی انواع پیش‌انگاری در دو خانواده فرادست (صاحب‌خانه) و فرودست (مستأجر)، در میان زنان و مردان و نیز در پرده‌های نمایشنامه در آنها وارد شد. علاوه بر این، برای هریک از جدول‌ها جهت بررسی آسانتر نمودار میله‌ای ترسیم شد. برای بررسی رابطه بین طرح داستان و پیش‌انگاری نمودار دیگری طراحی شد.

تحلیل داده‌ها

براساس یافته‌های پژوهش، در پاسخ به سؤال اول (فراوانی هریک از پیش‌انگاری‌های شناخته‌شده یول در نمایشنامه به چه صورتی است؟)، که در جدول (۱) و در نمودار (۱) مشاهده می‌شود، در این نمایشنامه در مجموع ۲۴۷ مورد پیش‌انگاری مشاهده شده است که ۶۸ مورد آن به پیش‌انگاری وجودی، ۳۴ مورد به پیش‌انگاری واقعی، ۴۲ مورد به پیش‌انگاری واژگانی، ۷۸ مورد به پیش‌انگاری ساختاری، دو مورد به پیش‌انگاری غیرواقعی و ۲۳ مورد به پیش‌انگاری خلاف واقع اختصاص دارد. بر این اساس، بیشترین فراوانی به



نمودار ۱. نمودار میله‌ای فراوانی انواع پیش‌انگاری‌ها

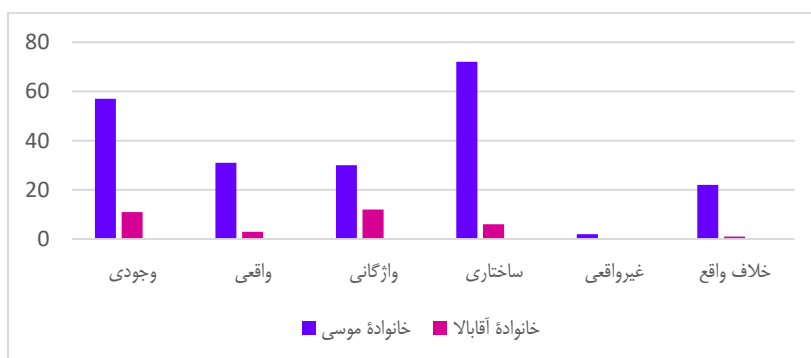
پیش‌انگاری ساختاری با ۷۸ مورد یا ۳۱.۵۷ درصد و کمترین فراوانی به پیش‌انگاری غیرواقعی، با دو مورد یا کمتر از یک درصد، اختصاص دارد.

جدول ۱. فراوانی انواع پیش‌انگاری در نمایشنامه‌/رثیه‌/ایرانی

انواع پیش‌انگاری	تعداد	درصد
وجودی	۶۸	۲۷.۵۳٪
واقعی	۳۴	۱۳.۷۶٪
واژگانی	۴۲	۱۷.۰۰٪
ساختاری	۷۸	۳۱.۵۷٪
غیرواقعی	۲	۰.۸٪
خلاف واقع	۲۳	۹.۳۱٪
مجموع	۲۴۷	۱۰۰

جدول ۲. فراوانی انواع پیش‌انگاری در نمایشنامه‌/رثیه‌/ایرانی براساس استفاده شخصیت‌ها در دو خانواده

درصد	مجموع	انواع پیش‌انگاری						شخصیت	خانواده
		خلاف واقع	غیرواقعی	ساختاری	واژگانی	واقعی	وجودی		
۳۲.۷۱٪	۷۰	۹	۰	۱۸	۱۳	۱۴	۱۶	موسی	خانواده موسی
۱۵.۴۲٪	۳۳	۸	۰	۱۳	۳	۶	۳	انیس	
۲۱.۴۹٪	۴۶	۴	۱	۲۲	۹	۶	۴	عظیم	
۲۱.۹۶٪	۴۷	۱	۱	۸	۳	۴	۳۰	جلیل	
۸.۴۱٪	۱۸	۰	۰	۱۱	۲	۱	۴	شکوه	
۱۰۰٪	۲۱۴	۲۲	۲	۷۲	۳۰	۳۱	۵۷	مجموع	
۴۲.۴۲٪	۱۴	۰	۰	۱	۴	۱	۸	آقابالا	خانواده آقابالا
۲۷.۲۷٪	۹	۰	۰	۱	۶	۲	۰	قیصر	
۲۷.۲۷٪	۹	۱	۰	۴	۱	۰	۳	گلزار	
۳۰.۳٪	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	مهدی	
۱۰۰٪	۳۳	۱	۰	۶	۱۲	۳	۱۱	مجموع	



نمودار ۲. فراوانی انواع پیش‌انگاری در دو خانواده

تنها ۳۳ مورد به خانواده آقابالا (مستأجر) اختصاص دارد. به عبارت دیگر، اعضای خانواده صاحب‌خانه ۸۶.۶۶ درصد موارد پیش‌انگاری را به خود اختصاص داده‌اند و تنها ۱۳.۱۴

بررسی یافته‌های پژوهش، مندرج در جدول (۲)، نشان می‌دهد که از مجموع ۲۴۷ مورد پیش‌انگاری یافت‌شده در نمایشنامه، ۲۱۴ مورد مربوط به خانواده موسی (موجر) است و

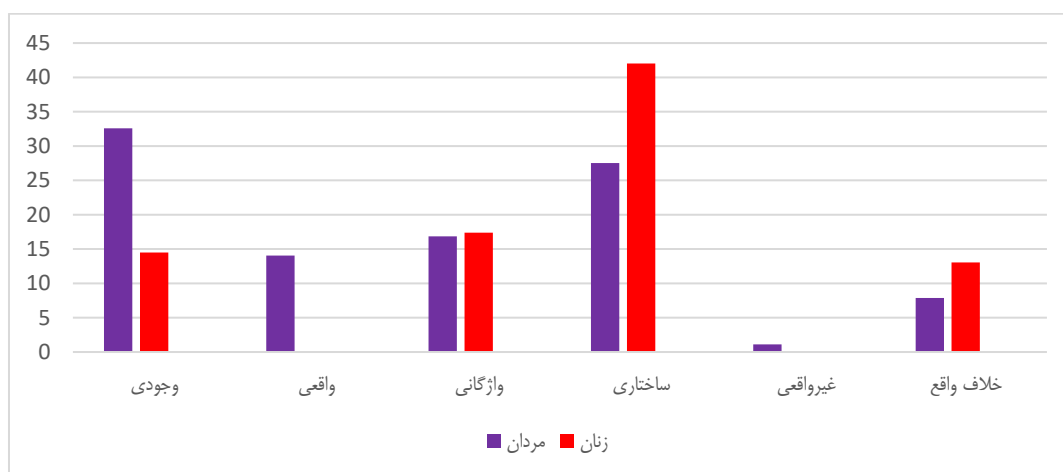
اطلاع یا تکمیل اطلاعات ناقص خویش هستند. در کنار آن شخصیت‌های اصلی این نمایشنامه از اعضای این خانواده‌اند و اینان با پرسش‌های ساختاری مخاطب‌شان را درگیر گفتگو می‌کنند و به این شکل باعث تداوم نمایشنامه و سیر تکاملی آن می‌شوند. اعضای خانواده آقابالا که بیشتر از پیش‌انگاری‌های واژگانی استفاده می‌کنند در نقش شخصیت‌های معمولی نمایشنامه ظاهر می‌شوند و بیشتر گفتارشان در جملات خبری خلاصه می‌شود و کمتر برای شخصیت‌های اصلی نمایش چالش ایجاد می‌کنند. اینان در راستای اهداف نویسنده و نمایش‌نامه گفتارشان تنظیم می‌شود و نویسنده از آنان در شخصیت‌پردازی دیگران استفاده می‌کند. برای مثال «این‌گونه بک بازم تنبون شو پرت کرده رو پشت بون». در اینجا قیصر درباره پسرش، مهدی، این را ذکر می‌کند. به عبارتی قیصر به خواننده اعلام می‌کند که «<پسرش قبلاً هم تنبون شو پرت کرده رو پشت بون>». یا آقابالا وقتی برای طلب رهن نزد موسی می‌رود با گفتن «من کاره‌ای نیستم» به شنونده اعلام می‌کند که «<کسی دیگر کاره است>» و این جنبه‌هایی از شخصیت وی را (که هیچ‌کسی از وی حساب نمی‌برد و عملاً درخانه کاره‌ای نیست) برای موسی و مخاطب روشن می‌کند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که شخصیت‌های فرادست نمایشنامه که عضو خانواده موسی هستند بیشتر از پیش‌انگاری‌های ساختاری استفاده می‌کنند و این به پیشبرد طرح داستان و به حرکت درآوردن چرخ نمایشنامه کمک می‌کند. نویسنده شخصیت‌های فرودست را که اغلب در خانواده آقابالا جای دارند، طوری می‌پروراند که به شخصیت‌پردازی آنها در طرح نمایشنامه کمک کند و هر کسی به فراخور حال خویش در به حرکت درآوردن چرخ نمایشنامه ایفای نقش کند.

درصد موارد پیش‌انگاری به اعضای خانواده مستأجر اختصاص دارد. به بیان دیگر، خانواده فرادست نسبت به خانواده فرودست در کلام خود از پیش‌انگاری بیشتری استفاده می‌کنند و این درباره همه انواع پیش‌انگاری صادق است. جالب اینکه، در خانواده فرادست، اعضای خانواده بیشتر از پیش‌انگاری‌های ساختاری و اعضای خانواده فرودست بیشتر از پیش‌انگاری واژگانی استفاده می‌کنند؛ زیرا گوینده در پیش‌انگاری‌های ساختاری، با از پیش‌انگاری گزاره‌هایی خاص، به دنبال استنتاج و کسب اطلاعاتی است که خود نسبت به آنها آگاهی ندارد یا در پی تکمیل اطلاعات خویش است. برای مثال، موسی از جلیل می‌پرسد «چرا چشم نداری منو ببینی؟» او می‌داند که جلیل از وی ناراحت است و این ناراحتی آمیخته با نفرت است. جلیل می‌داند که پدرش «یه دختر بی‌سروپا رو نشونده» به همین دلیل چشم دیدن پدرش را که ملبس به لباس روحانیت است، ندارد. همین ناراحتی جلیل و اشراف پدر بر این مسئله زمینه مشترکی بین جلیل و پدرش است که باعث می‌شود موسی ناراحتی پسرش را پیش‌انگاری کند و زمینه را برای تیرئه خویش فراهم کند و به وی بگوید «اگرم گناهی از من سرزده باشه، من مستحق سرزنش نیستم». مثال دیگری را در نظر بگیرید: برای درک این پیش‌انگاری لازم است زمینه به وقوع پیوستن آن روشن شود. آقابالا از سوی زنش، قیصر، برای طلب رهن منزل‌شان نزد موسی می‌رود و موسی موضوع را با عظیم در میان می‌گذارد که عظیم می‌گوید: «چرا پولشونو رد نمی‌کنی برن؟». عظیم در این پاره‌گفتار این گزاره را پیش‌انگاری می‌کند که پدرش «<پولشونو رد نمی‌کند>». او درباره چرایی آن می‌پرسد. او نمی‌داند که پدرش زن دوم اختیار کرده‌است و با این پرسش به دنبال کسب اطلاعات است. در نتیجه اعضای این خانواده با پیش‌انگاشت گزاره‌هایی به دنبال کسب

جدول ۳. فراوانی انواع پیش‌انگاری در میان شخصیت‌های زن و مرد

درصد	مجموع	انواع پیش‌انگاری						
		خلاف واقع	غیر واقعی	ساختاری	واژگانی	واقعی	وجودی	
۳۹.۳۲٪	۷۰	۹	۰	۱۸	۱۳	۱۴	۱۶	موسی
۲۵.۸۴٪	۴۶	۴	۱	۲۲	۹	۶	۴	عظیم
۲۶.۴۰٪	۴۷	۱	۱	۸	۳	۴	۳۰	جلیل
۷.۸۶٪	۱۴	۰	۰	۱	۴	۱	۸	آقابالا
۰.۵۶٪	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	مهدی
۱۰۰٪	۱۷۸	۱۴	۲	۴۹	۳۰	۲۵	۵۸	مجموع

		٪ ۷.۸۶	٪ ۱.۱۲	٪ ۲۷.۵۲	٪ ۱۶.۸۵	٪ ۱۴.۰۴	٪ ۳۲.۵۸	درصد	
٪ ۴۷.۸۲	۳۳	۸	۰	۱۳	۳	۶	۳	انیس	زنان
٪ ۲۶.۰۸	۱۸	۰	۰	۱۱	۲	۱	۴	شکوه	
٪ ۱۳.۰۴	۹	۰	۰	۱	۶	۲	۰	قیصر	
٪ ۱۳.۰۴	۹	۱	۰	۴	۱	۰	۳	گلزار	
۱۰۰٪	۶۹	۹	۰	۲۹	۱۲	۹	۱۰	مجموع	
		٪ ۱۳.۰۴	۰	۰.۲۴۲.۰۲٪	٪ ۱۷.۳۹	٪ ۱۳.۰۴	٪ ۱۴.۴۹	درصد	



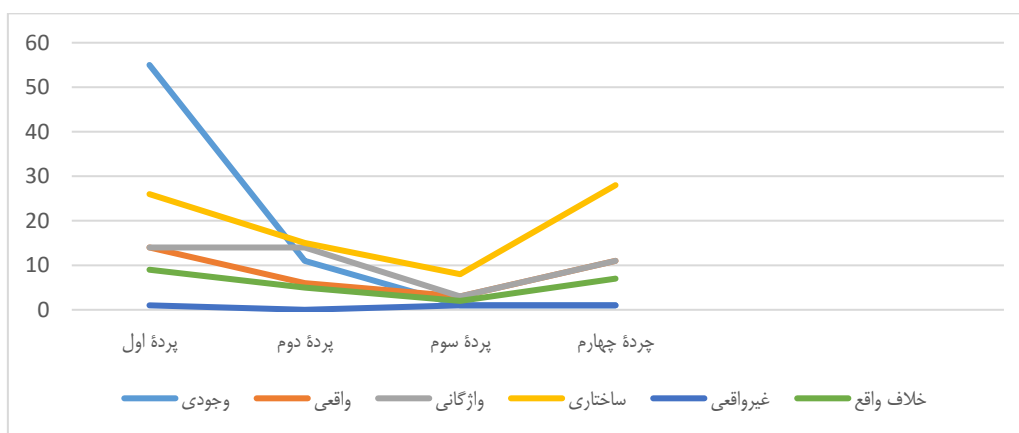
نمودار ۳. فراوانی انواع پیش‌انگاری در میان زنان و مردان

است. از سوی دیگر، ۴۲.۰۲ درصد پیش‌انگاری‌های زنان از نوع پیش‌انگاری ساختاری است و این میزان برای مردان در ۲۷.۵۲ درصد است. این مسئله بیانگر آن است که مردان در گفتار خویش وجود یا فقدان چیزی را پیش‌انگاشت می‌کنند و آنگاه اظهار نظر می‌کنند، حال آنکه زنان از پیش‌انگاری‌های ساختاری برای کسب اطلاعات استفاده می‌کنند. برای مثال، وقتی جلیل گل‌های لاله رو دزدیده تا خرج عیاشی خود کند، با واکنش انیس، مادرش، مواجه می‌شود: «واسه چی اون کارو کردی؟ اونو چکارش کردی؟ چند؟» در اینجا انیس بدون اینکه شک کند، فروش لاله‌ها را به گردن جلیل می‌اندازد و او را با این پیش‌انگاری مورد مؤاخذة قرار می‌دهد. انیس می‌داند که جلیل کاری با اون لاله‌ها کرده. او با سؤال چند؟ از پیش فرض کرده است که جلیل لاله‌ها را با قیمت خاصی فروخته است. این نوع پیش‌انگاری گرچه در میان مردان هم کاربرد دارد اما در میان زنان نمایشنامه بیشتر است و نشان از این دارد که زنان با استفاده از این پیش‌انگاری در صدد کسب اطلاع برمی‌آیند.

بررسی یافته‌های پژوهش، مندرج در جدول (۳)، نشان می‌دهد از مجموع ۲۴۷ مورد پیش‌انگاری یافت‌شده در نمایشنامه، ۱۷۸ مورد به مردان و ۶۹ مورد به زنان اختصاص دارد. در یک نگاه، از مجموع کل پیش‌انگاری‌های نمایشنامه‌/رثیه‌/ایرانی ۷۲.۰۶ درصد در گفتار مردان و ۲۷.۹۴ درصد موارد در گفتار زنان است؛ این آمار خود فاقد هرگونه ارزش خاصی است، اما برای همگون‌سازی داده‌های جدول (۳) در راستای پاسخ به سؤال سوم پژوهش بایستی نمود هریک از این پیش‌انگاری‌ها را در میان مجموع پیش‌انگاری‌های زنان و مردان به صورت جداگانه بررسی کرد. با توجه به درصدهای مستخرج از جدول (۳) در ردیف‌های عمودی و نیز نگاهی به نمودار میله‌ای (۳) می‌توان دریافت که بین زنان و مردان از نظر نوع پیش‌انگاری تفاوت وجود دارد و این تفاوت در پیش‌انگاری‌های وجودی و ساختاری بارزتر از دیگر پیش‌انگاری‌هاست؛ مردان از پیش‌انگاری‌های وجودی بیشتری نسبت به زنان استفاده می‌کنند. ۳۲.۵۸ درصد پیش‌انگاری‌های مردان از نوع پیش‌انگاری وجودی است، در حالی که تنها ۱۴.۴۹ درصد پیش‌انگاری‌های زنان از این نوع

جدول ۴. فراوانی انواع پیش‌انگاری در نمایشنامه‌/رژیمی/یرانی بر اساس نمود در هر پرده

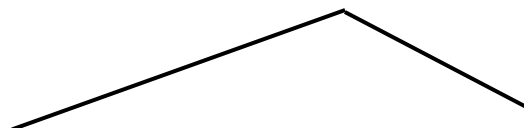
درصد	مجموع	انواع پیش‌انگاری						پرده
		خلاف واقع	غیر واقعی	ساختاری	واژگانی	واقعی	وجودی	
۴۸.۱۷٪	۱۱۹	۹	۱	۲۶	۱۴	۱۴	۵۵	اول
۲۱.۰۵٪	۵۲	۵	۰	۱۶	۱۴	۶	۱۱	دوم
۶.۸۸٪	۱۷	۲	۰	۸	۳	۳	۱	سوم
۲۳.۸۸٪	۵۹	۷	۱	۲۸	۱۱	۱۱	۱	چهارم
۱۰۰	۲۴۷	۲۳	۲	۷۸	۴۲	۳۴	۶۸	مجموع
		۳۱۹.۳۱٪	۱۸٪	۳۱.۵۷٪	۱۷٪	۱۳.۷۶٪	۲۷.۵۳٪	درصد



نمودار ۴. فراوانی انواع پیش‌انگاری بر اساس پرده‌های نمایشنامه

استفاده قرار می‌گیرد، چون نویسنده به معرفی مکان و زمان نمایش می‌پردازد و صحنه را برای ورود شخصیت‌ها و شروع نمایش آماده می‌کند. جلیل شخصیتی است که به معرفی نمایشنامه و شخصیت‌ها، مکان وقوع حوادث و زمان نمایشنامه می‌پردازد و به همین دلیل تعداد ۲۵ مورد پیش‌انگاری وجودی در یک نوبت صحبت وی وجود دارد: (من یکی از آدم‌های بازی هستم. << بازی وجود دارد)، آدماش مستأجرای مان (<< ما مستأجر داریم)، معماری خونهمون (<< ما خونه داریم) و ...). در این پرده ۵۵ مورد پیش‌انگاری وجودی استفاده شده است و با ورود به پرده دوم این تعداد به ۱۱ مورد تقلیل می‌یابد و در دو پرده آخر تنها در یک مورد به کار گرفته می‌شود.

همان طور که نمودار (۵) نشان می‌دهد، طرح داستان در یک نمایشنامه ابتدا مسیری صعودی می‌پیماید و این تا نقطه اوج داستان ادامه می‌یابد. با حل شدن گره‌های موجود در طرح داستان در نقطه اوج، روند صعودی متوقف و روند نزولی آغاز می‌شود و سرانجام، نمایشنامه با نتیجه‌گیری خاتمه می‌پذیرد.



نمودار ۵. خط سیر داستان (برگرفته از روشن و رحمانی، ۱۳۸۸: ۴)

براساس یافته‌های پژوهشی مندرج در جدول (۴)، بیشترین فراوانی پیش‌انگاری در پرده اول و پرده آخر نمایشنامه آمده است. در همه این پرده‌ها به جز پرده اول پیش‌انگاری ساختاری دارای بیشترین فراوانی است. دلیل این مسئله، چنان که قبلاً هم ذکر شد، این است که گوینده با به کار بردن پیش‌انگاری‌های ساختاری نسبت به کسب یا تکمیل اطلاعات خود مبادرت می‌ورزد و با پرسش از دیگر شخصیت‌ها در حالی که گزاره‌ای را در آن از پیش فرض گرفته‌اند، آنها را وامی‌دارد که در روند پرسش و پاسخ شرکت کنند و به این وسیله زمینه برای شرکت آنها در بحث فراهم می‌شود. در پرده اول، که دروازه ورود به نمایش است پیش‌انگاری وجودی با اختلاف زیادی بیش از دیگر پیش‌انگاری‌ها مورد

۱۷۸ مورد (۰۷۲۰۰۶ درصد) مربوط به مردان و ۶۹ مورد (۲۷۰۹۴ درصد) مربوط به زنان است. بین زنان و مردان از نظر نوع پیش‌انگاری تفاوت وجود دارد و این تفاوت در پیش‌انگاری‌های وجودی و ساختاری بارزتر از دیگر پیش‌انگاری‌هاست؛ مردان نسبت به زنان از پیش‌انگاری‌های وجودی بیشتری استفاده کرده‌اند. بیشتر پیش‌انگاری‌های مورد استفاده مردان (۳۲۰۵۸ درصد) از نوع پیش‌انگاری وجودی است، و پیش‌انگاری رایج در میان زنان از نوع پیش‌انگاری ساختاری است. این امر مؤید آن است که مردان در گفتار خویش وجود یا عدم چیزی را از پیش فرض می‌کنند و آنگاه اظهار نظر می‌کنند، حال آن که زنان با استفاده بیشتر از پیش‌انگاری‌های ساختاری برای کسب اطلاعاتی استفاده می‌کنند که صحت آنها را از پیش مفروض می‌دانند.

نتایج این پژوهش، همراستا با لوینسون (۱۹۸۳) و بیور (۲۰۰۱)، نشان می‌دهد که بررسی پیش‌انگاری‌ها از نظر معنای کلمات و جملات به صورت ثابت و مستقل از بافت، یعنی از منظر معناشناسی، کافی نیست و برای درک بهتر پیش‌انگاری لازم است آن را از منظر کاربردشناسی مورد بررسی قرار داد. این پژوهش از یک‌سو در انطباق با ابوت (۲۰۰۰)، ستالنکر (۱۹۷۴)، کارتونن (۱۹۷۴)، مٹیو درایر (۱۹۹۶)، آرنسز و سولهیم (۲۰۰۲) و کتس‌کیز و ژانگ (۲۰۰۹)، پیش‌انگاری در نمایشنامه را لاجرم به عنوان دانش یا زمینه مشترک بین شخصیت‌ها در نظر می‌گیرد (در غیر این صورت بررسی پیش‌انگاری‌ها صرفاً در همان حوزه معناشناسی باقی می‌ماند) و از سوی دیگر، همراستا با لمبرشت (۱۹۹۴)، جکنداف (۱۹۷۲) و اکمجان (۱۹۷۳) تأکید می‌کند که اطلاعات ناقص شخصیت‌ها با استفاده از پیش‌انگاری‌های ساختاری و با کسب اطلاع از گوینده با توجه دقیق به گفته‌های وی (چن و وانگ، ۲۰۱۸) رفع می‌شود. لذا، پیش‌اطلاعات گوینده یا شنونده در بافت زبانی و موقعیتی در درک طرح نمایشنامه اهمیت زیادی دارد و این نتایج رضی‌نژاد و داودی (۱۳۹۴) را مورد تأیید قرار می‌دهد.

علاوه بر این، میزان استفاده از پیش‌انگاری‌ها با روند طرح داستان، رابطه‌ای معکوس دارد؛ این بدان معنا است که در آغاز نمایشنامه فراوانی استفاده از پیش‌انگاری در اوج خود بوده و با طی شدن مسیر طرح داستان به سوی نقطه اوج میزان استفاده از پیش‌انگاری کاهش می‌یابد و روندی نزولی به خود می‌گیرد و پس از گذر از نقطه اوج، استفاده از پیش‌انگاری‌ها روند صعودی به خود می‌گیرد.

اما چنان که نمودار (۴) نشان می‌دهد، میزان استفاده از پیش‌انگاری با روند طرح داستان، رابطه‌ای معکوس دارد. به عبارتی دیگر، در آغاز نمایشنامه فراوانی استفاده از پیش‌انگاری در اوج خود بوده و با طی شدن مسیر طرح داستان به سوی نقطه اوج، میزان استفاده از پیش‌انگاری کاهش می‌یابد و روندی نزولی به خود می‌گیرد. اما با گذر از نقطه اوج استفاده از پیش‌انگاری‌ها روند صعودی به خود می‌گیرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که فراوانی استفاده از پیش‌انگاری با روند طی شدن طرح داستان رابطه‌ای معکوس دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نگاهی معنا-کاربردشناختی به نمایشنامه‌/رثیه‌/ایرانی یک‌بار دیگر رابطه ناگسستگی ادبیات و زبان‌شناسی را مشخص کرد. در میان پیش‌انگاری‌های شناسایی‌شده در این نمایش که مجموع آنها ۲۴۷ مورد است، مشخص شد که فراوانی پیش‌انگاری‌های ساختاری ۷۸ مورد، پیش‌انگاری وجودی ۶۸ مورد، پیش‌انگاری واژگانی ۴۲ مورد، پیش‌انگاری واقعی ۳۴ مورد، پیش‌انگاری غیرواقعی ۲۳ مورد و پیش‌انگاری خلاف واقع دو مورد است. لذا، پیش‌انگاری ساختاری با ۷۸ مورد یا ۳۱،۵۷ درصد و پیش‌انگاری غیرواقعی با دو مورد یا کمتر از یک درصد، به ترتیب، بیشترین فراوانی و کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های این پژوهش در اینجا با یافته‌های برایننت (۲۰۱۴) همخوانی ندارد. وی در بررسی فیلم *هتل ترانسیلوانیا* پیش‌انگاری خلاف واقع را با بیشترین فراوانی یافته و آن را به خط سیر داستان ربط داده است.

در بررسی دو خانواده، صاحب‌خانه به عنوان خانواده فرادست و مستأجر به عنوان خانواده فرودست، مشخص شد که از مجموع ۲۴۷ مورد پیش‌انگاری یافت‌شده در نمایشنامه ۲۱۴ مورد (۸۶۶۳ درصد) مربوط به خانواده صاحب‌خانه و تنها ۳۳ مورد (۱۳۰۳۷ درصد) مربوط به خانواده مستأجر است. در خانواده فرادست، اعضای خانواده بیشتر از پیش‌انگاری‌های ساختاری و اعضای خانواده فرودست بیشتر از پیش‌انگاری واژگانی استفاده کرده‌اند. فرادستان با استفاده از پیش‌انگاری‌های ساختاری در پی استنطاق و کسب اطلاعاتی هستند که خود نسبت به آنها آگاهی ندارند یا به دنبال تکمیل اطلاعات خویش هستند. در طرف مقابل، اعضای خانواده فرودست با استفاده بیشتر از پیش‌انگاری‌های واژگانی به شخصیت‌پردازی خود و دیگران و نیز پیشبرد طرح نمایشنامه کمک کرده‌اند.

از مجموع ۲۴۷ مورد پیش‌انگاری یافت‌شده در نمایشنامه

منابع

- حجتی‌زاده، راضیه (۱۳۹۶). «چرخش زبان در جنبش سماع» تأثیر پیش‌انگاشت‌های زبان‌شناختی در سیر تحول مفهوم سماع عارفانه نزد محمد غزالی و مولوی. *جستارهای زبانی*، دوره ۸، شماره ۱ (پیاپی ۳۶)، ۲۹۳-۳۲۰.
- رادی، اکبر (۱۳۹۶). *ارثیه/یرانی* (چاپ هفتم). تهران: نشر قطره.
- رضی‌نژاد، سید محمد و اعظم داودی (۱۳۹۴). نقش پیش‌انگاشت در تعبیر معنایی اصطلاحات زبان فارسی. *University*. Retrieved from <https://core.ac.uk/download/pdf/33514805.pdf> on July, 9, 2020.
- Chen, X., & Wang, J. (2018). An analysis on pragmatic presupposition in cosmetic advertising language of Lancome. In: *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 233, 795-799.
- Chierchia, G., & MacConnell-Ginet, S. (1990). *Meaning and grammar: An introduction to semantics*. Cambridge: The MIT Press.
- Culler, J. (1976). Presupposition and intertextuality. *Comparative Literature*, 91(6), 1380-1396.
- Dabbagh, L. A. (2013). The theatre and presuppositions. *Al-Ustath*, 205(2), 1-10.
- Dinsmore, J. (1981). *The inheritance of presupposition*. Amsterdam: John Benjamin.
- Dryer, M. (1996). Focus, pragmatic presupposition and activated proposition. *Journal of Pragmatics*, 26(4), 475-523.
- Engelkamp, J., & Zimmer, H. D. (1983). *Dynamic aspects of language processing: Focus and presupposition*. Berlin: Springer.
- Fillmore, C. J. (1969). Types of lexical information. In: F. Kiefer (Ed.), *Studies in syntax and semantics*, (pp. 109-137). Dordrecht.
- Fodor, J. D. (1977). *Semantics: Theories*
- کنفرانس ملی هزاره علوم انسانی، شیراز. <https://civilica.com/doc/398792> دسترسی: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰.
- روشن، بلقیس و حسین رحمانی (۱۳۸۸). *داستان کوتاه*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰). نگاهی به ارزیابی‌انگاری از دو چشم‌انداز. *نامه مفید*، شماره ۲۸، ۱۲۱-۱۴۸.
- Abbott, B. (2000). Presuppositions as Nonassertions. *Journal of Pragmatics*, 32, 1419-1437.
- Akmajian, A. (1973). The role of focus in the interpretation of anaphoric expressions. In: S. R. Anderson, & P. Kiparsky (Eds.), *A festschrift for Morris Halle*, (pp. 215-226). New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Arnseth, H. C., & Solheim, I. (2002). Making sense of shared knowledge. In: G. Stahl (Ed.), *Proceedings of CSCL 2002, computer support for collaborative learning: Foundations for a CSCL community* (pp. 102-110). Colorado: Boulder.
- Atlas, J. D. (1977). Negation, ambiguity and presupposition. *Linguistics and Philosophy*, 1(3), 321-336.
- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Beaver, D. (2001). **Presupposition and assertion in dynamic semantics**. Stanford: CSLI.
- Beaver, D. I., & Zeevat, H. (2007). Accommodation. In: G. Ramchand & C. Reiss (Eds.), *The Oxford Handbook of Linguistic Interfaces*, (pp. 503-538). Oxford: Oxford University Press.
- Briant, N. A. (2014). *A pragmatic analysis of presupposition in Genndy Tartakovsky's Hotel Transylvania*. M.A. Thesis: Yogyakarta State

- of meaning in generative grammar. New York: Thomas Y. Crowell Co.
- Frege, G. (1984). *Collected Works*. B. McGuinness (Ed.). Oxford: Basil Blackwell.
- Frege, G. (1984). On sense and reference. In: *Collected Works*, (pp. 157-177). Oxford: Basil Blackwell.
- Gazdar, G. (1979). *Pragmatics: Implicature, presupposition and logical form*. New York: Academic Press.
- Ge, L. (2011). Pragmatic functions of presupposition in advertising English. *Asian Culture and History*, 3(1), 153-157.
- Grice, H. P. (1961). The casual theory of perception. *Proceedings of the Aristotelian Society*, Supplementary Volumes, 35, 121-168.
- Hoag, J. D. (2008). *Presupposition: NLP meta model*. San Francisco. Retrieved from: <http://www.nlpls.com/articles/presuppositions.php> on July 25, 2020.
- Huitink, L. (2009). Pragmatic presupposition in complementation in classical greek. In: S. Bakker & G. Wakker (Eds.), *Discourse cohesion in ancient Greek*, (pp. 21-40). Leiden: Brill.
- Jackendoff, R. S. (1972). *Semantic interpretation in generative grammar*. Cambridge: Mass.
- Karttunen, L. (1974). Presupposition and linguistic context. *Theoretical linguistics*, 1, 181-194.
- Kecskes, I., & Zhang, F. (2009). Activating, seeking and creating common ground: A sociocognitive approach. *Pragmatics and Cognition*, 17(2), 331-355.
- Keenan, E. (1971). Two kinds of presupposition in natural language. In C. Fillmore, & D. T. Langendoen (Eds.), *Studies in linguistic semantics* (pp. 45-54), New York: Holt, Rinehart, Winston.
- Kempson, R. (1975). *Presupposition and the delimitation of semantics*. Cambridge: University of Cambridge Press.
- Kiparsky, P., & Kiparsky, C. (1970), Fact. In: M. Bierwisch & K. E. Heidolph (Eds.), *Progress in linguistics*, (pp. 143-173). Berlin/New York.
- Lambrecht, K. (1994). *Information structure and sentence form: Topic focus and the mental representation of discourse referents*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Langendoen, D. T., & Savin, H. B. (1971). The projection problem for supposition. In C. Fillmore & D. T. Langendoen (Eds.), *Studies in linguistic semantics*, (pp. 54-60). New York: Holt, Rinehart, Winston.
- Levinson, S. C. (1983), *Pragmatics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lewis, D. (1979), Scorekeeping in a language game. *Journal of philosophical logic*, 8, 339-359.
- Liang, R., & Liu B. (2016). An analysis of presupposition triggers in Hilary Clinton's first campaign speech. *International Journal of English Linguistics*, 6(5), 68-73.
- Polyzo, A. (2015). Presupposition in discourse: Theoretical and methodological issues. *Critical Discourse Studies*, 12(2), 123-138.
- Russel, B. (1905). On denoting. **Mind**, 14, 479-493.
- Russel, B. (1957). Mr. Strawson on referring. *Mind*, 66, 385-389.
- Sadock, J. M. (1978). On testing for conversational implicature. In: P. Cole (Ed.), *Pragmatics*, (pp. 281-297). New York: Academic Press.
- Schlenker, P. (2010). Presuppositions and local contexts. *Mind*, 119(474), 377-391.
- Simons, M. (2003). Presupposition and

- accommodation: Understanding the Stalnakerian picture. *Philosophical Studies*, 112, 251-278.
- Simons, M. (2007). Observations on embedding verbs, evidentiality, and presupposition. *Lingua*, 117(6), 1034-1056.
- Stalnaker, R. C. (1974). Pragmatic presuppositions. In: M. Munitz & P. Under (Eds.), *Semantics and philosophy*, (pp. 197-213). New York.
- Stalnaker, R. C. (2002). Common ground. *Linguistics and Philosophy*, 25(5-6), 701-721.
- Strawson, P. (1950). On referring. *Mind*, 59, 320-344.
- Strawson, P. (1952). *Introduction to logical theory*. London: Methuen.
- Strawson, P. (1964). Intention and convention in speech acts. *The Philosophical Review*, 73(4): 439-460.
- Toolan, M. (2013). *Language in literature*. London: Routledge.
- van der Sandt, R. A. (1988). *Context and presuppositions*. London: Routledge.
- Verschueren, J. (1999). *Understanding pragmatics*. London: Arnold.
- Von Stechow, P. (2001). Counterfactuals in a dynamic context. In: M. Kenstowicz (Ed.), *Ken Hale: A life in language*, (pp. 123-152). Cambridge, Mass: MIT Press.
- Wilson, D. (1975). *Presupposition and non-truth conditional semantics*. New York: Academic Press.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.



COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)